



۲۰۱۶/۰۵/۱۳



جلیل غنی هروی

افغانستان سومین کشور فاسد در جهان

روز پنجشنبه دوازدهم می ۲۰۱۶ کنفرانس جهانی مبارزه با فساد اداری در لندن افتتاح گردید و دکتر اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان نیز درین کنفرانس اشتراک نمود. این کنفرانس در حالی دایر می گردد که دو روز قبل از آغاز آن، دیوید کامرون صدراعظم برتانیه در حضور ملکه آن کشور در حالی که رئیس جمهور نایجریا نیز حضور داشت در گفت و گویی با ملکه، **افغانستان و نایجریه را دو کشور "به طرز شگفت انگیزی فاسد" توصیف کرد.**

آقای کامرون در صحبت با ملکه الیزابت دوم گفت: «شماره از رهبران بعضی از کشورها که به طرز شگفت انگیزی فاسد هستند، به برتانیه خواهند آمد... نایجریا و افغانستان، احتمالاً فاسدترین کشورهای روی زمین هستند». ولی آقای غنی درین کنفرانس می گوید: «تقاضا برای مواد مخدر در بازار های غرب محرک و عامل اصلی فساد در کشور است». شاید بگفته رئیس جمهور افغانستان «تقاضا برای مواد مخدر در غرب» یکی از عوامل فساد باشد ولی جای تعجب اینست که زمامداران افغانستان همیشه گناه کم کاری و نا کار آمد پلیسی ها و عدم کفایت حکومت را برای رسیدگی به معضلات عمده داخلی، به دوش دیگران می اندازند و هیچگاهی به نارسائی های شان که اکثراً جنبه داخلی دارد اعتراف نمی کنند و روی همین دلیل است که هیچگاهی هم قادر به حکل معضلات کشور نیستند و به بهانه های گوناگون سعی دارند پرده بر بی کفایتی و عدم رسیدگی به مشکلات مردم بکشند. این روش درست به مریضی می ماند که به مشکل صحتی اش معترف نیست و دیگران را مسؤل بیماری خود میداند و حاضر به تجویز داروی معالج هم نیست.

از رهبران حکومت وحدت ملی تا کنون جز شعار، عملی که بتواند ادعای آنها را به کرسی بنشانند، دیده نشده است؛ مثلاً اگر از این کرسی نشینان پرسیده شود که اجازه دادن یکصد و هفتاد و پنج پسته پولیس و چوک های ترافیکی کابل از سوی مسؤلین ترافیک به ارزش صد ها هزار دالرمه ماهانه چه ربطی به «تقاضای غرب به مواد مخدر» دارد، چه جوابی خواهند داشت؟ هم اکنون یکصد و هفتاد و پنج چوک ترافیک کابل، هر یک نظر به موقعیت و اهمیت آن، از طرف مقامات مسؤل به ترافیک ها، به اجازه داده میشود و آنها مجبور هستند در ختم هر ماه مبلغ توافق شده را به مسؤلین مربوطه بسپارند. این مبالغ بجای این که به عواید دولت تسلیم داده شود به جیب رشوه خوارانی می رود که هر روز بر بلند منزلتهای شان در نقاط مختلف شهر می افزایند.

این تنها کابل نیست بلکه در ولایات هم این مکروب خیانت سرایت کرده و در هر ولایت هر چوک پولیس ترافیک نظر به موقعیت و عواید آن، قیمت گذاری شده است.

خوب جناب آقای غنی، این فقط به حیث مشت نمونه خروار، چه ربطی به تقاضا برای مواد مخدر خواهد داشت؟

آن موثر مملو از مواد منفجره که از سرحدات افغانستان تا دروازه های ارگ ریاست جمهوری می رسد آیا از همین پوسته های پولیس و ترافیک عبور میکند یا نه؟ آیا روزی کدام یک از مأمورین مؤظف و آمرین ترافیک و پوسته های پولیس به چنگال قانون سپرده شده اند؟ (متأسفانه در یک دستگاه فاسد قانون تعمیم شده نمی تواند) به جز اینکه ندرتاً «تعطیل ملازمت» شده اند.

یکی از اقداماتی که اخیراً گویا در مبارزه با فساد اتخاذ شده تغییر و تبدیل در حدود ششصد قاضی در محاکم است. با حفظ احترام به آنانی که خدمت صادقانه کرده اند، دستگاه قضاء یکی دیگر از فاسدترین دستگاه های دولت افغانستان است و فکر نمی شود که تغییر و تبدیل یک قاضی مثلاً از اورزگان به مزار شریف علاج درد بی درمان فساد اداری باشد، به جز اینکه قضاتی که آلوده با فساد هستند در وظایف جدید، منابع جدید را برای اغنای حرص مالی شان در اختیار خواهند داشت مخصوصاً که به حیث مسافر در ولایت دیگر و وظیفه جدید با معاش نا کافی دولت بخوانند زندگی کنند.

منبع و مرجع بی امنیتی ها نیز در فساد اداری گسترده نهفته است. در افغانستان اتفاق نظر بر این است که اگر دستگاه های امنیتی و عدلی افغانستان با حد اقل صداقت و ایمان داری وظیفه شان را انجام دهند هیچ دهشت افکن و انتحاری قادر نخواهد بود خون صد ها و هزاران بی گناه مظلوم و پاسداران صادق امور امنیتی را بریزاند. اگر این دستگاه های فاسد رحمی به هم وطن و هم مسلک و هم دین و هم ایمان شان داشته باشند، هیچ دهشت افکن و انتحاری نخواهد توانست تا مرکز شهر ها و دروازه های عالی رتبه ترین مقام های اداری و امنیتی افغانستان برسد. چنین دهشت افگنانی یا در نیمه راه گرفتار و به عدالت سپرده می شوند و یا در مقابله با قوای امنیتی و عدلی از پا در آورده می شوند.

عامل اصلی فساد به قول آقای غنی «بازار های غرب و تقاضا به مواد مخدر» نه، بلکه ثروت اندوزان بی عاطفه و همدستان آنها در دستگاه دولت هستند که هر روز بر بلند منزلهای آنها در هر یک از شهر های عمده افغانستان افزوده می شود و ملیونها دالر سرمایه مردم افغانستان یا در بانکهای خارج ذخیره می گردد و یا در کشور های دیگر سرمایه گذاری می شود. کسی ادعا می کرد که سرمایه گذاری افغانستان در دوی چهل و پنج میلیارد دالر است در حالیکه یکی از مأمورین با اطلاع دولت این رقم را مبالغه آمیز خواند و مدعی بود که سرمایه گذاری افغانستان در دوی هفت میلیارد دالر است. اگر حتی همین مبلغ هفت میلیارد دالر هم در داخل افغانستان سرمایه گذاری می شد مثلاً فابریکه نساجی گلپهار و یا فابریکه تولید روغن پنبه دانه در هرات و یا هم فابریکه سمنت فعال ساخته می شد، هزاران نفر بکار گماشته می شدند و هزاران خانوار لقمه نانی بدست می آورد و از چهل فی صد نیروی بیکار در افغانستان شاید پانزده فی صد و یا بیشتر از آن استخدام می گردیدند. هیچ مرجع و منبعی هم نیست که منابع عایدات را از چنین غاصبان بپرسد. فساد به حدی بیداد میکند که با مراجعه به هر دفتری، یا باید پول داد و یا واسطه و وسیله داشت مگر این که با اشخاص با درد و صادقی مواجه شد که با صداقت و ایمانداری، با متانت و وطن دوستی و با همدردی با مردم، وظایف شان را بدون چشم داشت و توقع مالی انجام میدهند.

پایان